

نقد و بررسی

# قندوزی بلخی و ینابیع الموده شیخ سلیمان بن ابراهیم

○ سید حبیب الله احمدپناه

- ینابیع الموده (صاحبان قریبی، اهل عبا)
- شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی بلخی
- ترجمه سید مرتضی توسلیان
- انتشارات بصیرت

لازم به ذکر است که مؤلف محترم گفته است که این مجموعه را فقط از کتب حدیثی مورد قبول سنت و جماعت فراهم آورده است.

در تنظیم این مقاله کوتاه از پیشگفتار فاضل گران قدر محمدمهدی خراسانی و از فهرست مؤلف و دیباچه کتاب ینابیع الموده استفاده شده است.

معرفی اجمالی مؤلف<sup>۱</sup>

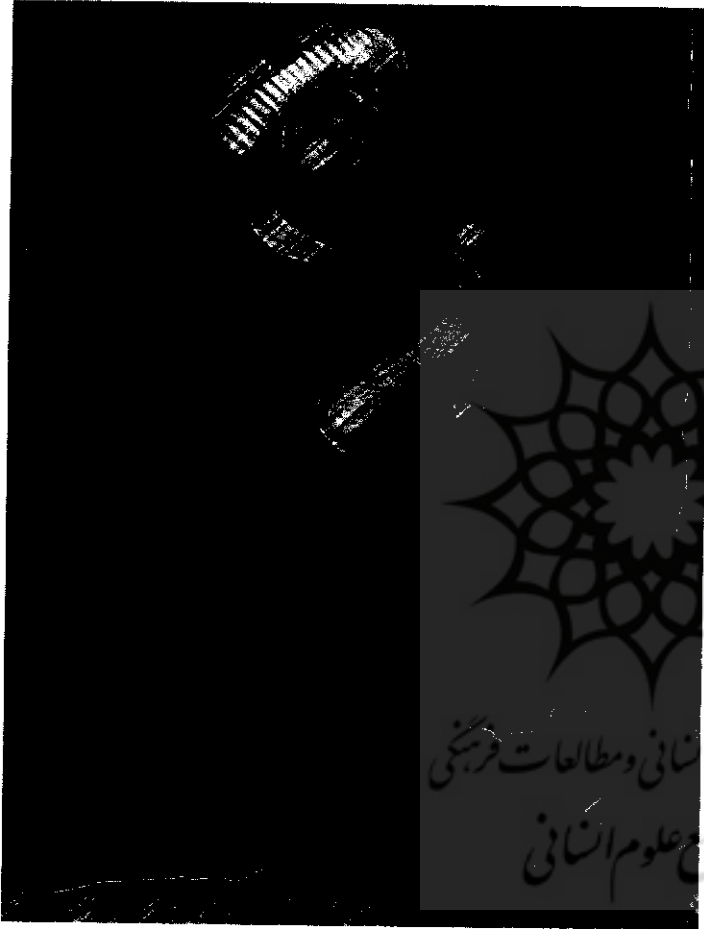
عالم عابد و با ورع و متبحر<sup>۲</sup> شیخ سلیمان بن ابراهیم معروف به خواجه کلان بن محمد مشهور به بابا خواجه بن ابراهیم بن محمد بن شیخ سید ترسون باقی حسینی قندوزی بلخی<sup>۳</sup> در سال ۱۲۲۰ هجری قمری متولد شد و مدارج علمی و ادبی را در بلخ سپری و تحصیلات خود را در بخارا تکمیل کرد و به دریافت اجازه‌های نقل حدیث از بزرگان آن نائل آمد. به کشورهای افغانستان و هندوستان سفر کرد و با مشایخ بزرگ اهل طریقت همنشینی کرد و در مقامات سیر و سلوک کمال یافت و در دین ژرف اندیشی و تفقه کرد تا مردم خود را به هنگام بازگشت نزد آنان انداز کند، پس به قندوز بازگشت و مدتی در بین آنان اقامت گزید و علم و آداب را نشر داد و در آنجا جامع و خانقاه و مدرسه بنا نهاد و اراده کرد که به سرزمین روم برود جایی که بتواند به خاسته‌اش که موطن در مکه و مجاورت بیت الله بود برسد. محمد صلاح را جانشین خود منصوب کرد تا به جانشینی برادرش میرزا خواجه بن مولانا خواجه کلان در مسند ارشاد قرار گیرد و عالم فاضل‌تر ملأ

اشاره

شیخ حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی بلخی در سال ۱۲۲۰ هجری قمری در بلخ متولد شده است و جهت تکمیل تحصیلات خود به بخارا رفته و سپس به کشورهای افغانستان و هندوستان سفر کرده است و به دریافت اجازه‌های نقل حدیث از بزرگان نائل آمده است.

وی از مشایخ بزرگ اهل طریقت و حنفی مذهب و نقشبندی مشرب بوده است. روز پنجشنبه ششم شعبان ۱۲۹۴ در قسطنطنیه وفات یافته و در مقبره اختصاصی‌اش در خانقاه مرادیه دفن شده است.

یکی از کتاب‌های مشهور و گرانقدر او کتاب ینابیع الموده درباره فضایل اهل بیت (ع) است که مؤلف در آخر عمر گردآوری و تألیف و تدوین کرده و گفته است که فقط از کتب صحاح و جوامع حدیثی و سیره و کتاب‌های تفسیری و دیگر کتبی که مورد تأیید اهل سنت و جماعت بوده استفاده کرده است. کتاب دارای مقدمه بر یکصد باب است بی شک این کتاب و دیگر کتب همانند آن، حلقه اتصال دو مذهب عمده اسلام - اهل سنت و شیعه - است.



عوض را که از دیگر شاگردان سلیمان حافظ برتر بود و به دریافت اجازه نقل حدیث از او نائل آمده بود به امر تدریس گماشت شیخ حافظ سلیمان قندوزی در سال ۱۲۶۹ق. همراه حدود سیصد نفر از شاگردانش که اهل سلوک و طلب بودند از قندوز مهاجرت کرد و سفرش از طریق ایران بود. در سال ۱۲۷۰ق. به بغداد آمد. والی بغداد به او احترام گذاشت و علما او را بزرگ داشتند و از او کسب فیض کردند و از سرچشمه پاک علمش سیراب شدند آنگاه از طریق موصل و دیاربکر و عورقه و حلب قصد عزیمت به دارالخلافه علیه واقع در آستانه کرد و چه بسا بیش از سه سال در این شهرها توقف داشت تا به قونیه رسید. سه سال و شش ماه در آن شهر اقامت گزید و در مدت اقامتش فتوحات مکیه و فصوص و نصوص را از نسخه‌هایی که به خط مؤلف آن شیخ اکبر محی الدین بن عربی حاتمی بود استنساخ کرد. آن گنجینه‌ها در دارالکتبی (کتابخانه) در مقبره شیخ کبیر و عارف صدرالدین قونوی موجود و محفوظ است. در ذیحجه سال ۱۲۷۷ به قصد دارالخلافه از قونیه خارج شد. در آغاز فرود، مشمول لطف سلطان عبدالعزیز شد و آن‌طور که برخی از شرح حال نویسان گفته‌اند از الطاف عالی سلطانی برخوردار شد و زمانی که آماده رفتن به مکه بود از جانب سلطان امر عالی صادر شد و او را برای مسند شیخوت تکیه شیخ مراد بخاری تأیید کردند که در بیرون دروازه ادرنه واقع شده است. وی امثال امر کرد و فوراً به انجام وظیفه پرداخت و به ارشاد و نشر علوم حدیث و تفسیر همت گمارد و در آن روزها از

تألیف کتب و رسایل دور نبود از تألیفات او جز اسم سه کتاب که در کتاب ینابیع الموده خود به آن اشاره کرده است چیزی در دست نداریم: جمع الفوائد؛ مشرق الاکوان؛ و ینابیع الموده که این تنها کتابی است که از تألیفات او به دست ما رسیده است و به زودی از آن سخن گفته خواهد شد.

شیخ حافظ سلیمان در فروع از چهره‌های برجسته حنفیه و در طریقت از استوانه‌های نقشبندیه است. پسر و جانشینش شیخ سید عبدالقادر افندی به یکی از فضلاء که شرح حال او را نگاشته، نوشته است که پدرش حنفی مذهب و نقشبندی مشرب بوده و به سلاله امام حسین(ع) انتساب می‌کرده است که ما به تفصیل از نسب او و میزان صحّت ادعای او وقوف نیافته‌ایم. وی در پنجشنبه ششم شعبان ۱۲۹۴ق. در قسطنطنیه وفات



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات عربی

یافت در مقبره اختصاصی اش در خانقاه مرادیه دفن شد. عثمانی ذکر کرده است. یوسف الیان سرکیس، مؤلف معجم المطبوعات، که در صفحه ۵۸۶ کتابش او را خواجه ابراهیم قبلان یاد کرده دچار اشتباه شده است و در هامش کتاب ایضاح المکنون، ج ۲، بنا به وهم او درباره وی اطلاعاتی داده شده است و زرکلی در الاعلام، ج ۳ ص ۱۸۶، خطای یوسف الیان سرکیس را تکرار کرده است و در خطای دور از ذهن دیگر درباره سال وفات قندوزی از سرکیس تبعیت کرده سال ۱۲۷۰ ق. را سال وفات وی دانسته است. لفانددیک در کتاب اکتفاء الفتوح، صفحه ۴۹۱، نیز به همین خطا دچار شده است و وفات او را در سال ۱۲۷۰ ق. / ۱۸۵۳ م. ذکر کرده و به اشتباه لقب پدرش را خواجه گیلان نامیده است در حالی که لقب پدر او «خواجه کلان» بوده و خود مؤلف در مقدمه کتابش به آن تصریح کرده است. شگفت این که شرح حال نویسنده او، در فهرست خزانه کتابخانه التیموریه، ج ۲، ص ۱۳۳۶، او را از علمای قرن چهاردهم دانسته، حال آن که از علمای قرن سیزدهم است، زیرا خود وی تاریخ تالیف کتابش را ۱۲۹۱ ق؛ در زمان حکومت سلطان عبدالعزیز

عثمانی ذکر کرده است. مؤلف کتاب ینابیع الموده را در اواخر عمر خود تالیف کرده است. حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الخنقی می گوید: احادیث ینابیع الموده فقط از تفاسیر و احادیث اهل سنت و جماعت گرفته شده و انگیزه تالیف، آن بوده است که خدای متعال در قرآن کریم اجر تبلیغ رسول اکرم (ص) را مودت اهل بیت قرار داده و آن را واجب کرده است و مودت باید براساس شناخت فضائل آنان باشد و شناخت نیز در طریق مطالعه کتب مورد اعتماد اهل سنت امکان پذیر است.

در اینجا عین عبارات مؤلف که قبل از مقدمه کتاب آورده شده، نقل می شود.

«اوجب الله مودة قریبی نبیه و اهل بیت نبیه صلی الله علیه و علیهم علی جمیع المسلمین وانه تعالی اراد تطهیرهم عن الرجس تطهیراکاملا لانه ابتدا بکلمه «انما» التي هی مفیدة لانحصار ارادته تعالی علی تطهیرهم و اکد بالمفعول المطلق و لما کانت مودتهم علی طریق التحقیق و البصیره موقوفه علی معرفه فضائلهم و

الحسن علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیصمی از آنچه که در مسند امام احمد بن حنبل و «ابن یعلی الموصلی» و «ابن بکر البرزازی» و معاجم سه گانه طبرانی آمده گردآوری شده است. او کتاب دیگری نیز به نام کنوزالدقائق تالیف کرده است. شیخ جلال الدین السیوطی المصری نیز کتاب الجامع الصغیر را در این باره نوشته است. برخی از محدثان درباره قیام قائم حضرت مهدی علیه السلام احادیثی جمع آوری کرده اند مانند: علی قاری خراسانی هروی و دیگران با آن که عالم جلیل القدر حافظ سلیمان عالم حنفی مذهب بوده است از این که مکتوبات قلبی خود را که با شیعه مشترک بوده ابراز نماید، ابایی نداشته است. لذا در باب‌های مختلف مانند بایه‌های ۲۷ و ۳۲ به ترتیب حدیث غدیر خم و حدیث کساء را آورده است که ان شاء الله به صورتی مستقل به آن پرداخته خواهد شد.

مؤلف با انگیزه‌های والایی از مجموعه‌ها و کتب یاد شده مورد اعتماد خود به تالیف این کتاب پرداخته است، چنان که خود گوید: فالمؤلف الفقیر الی الله المنان سلیمان بن ابراهیم المعروف بخواجه کلان ابن محمد معروف المشتهر ببابا خواجه ابن ابراهیم ابن محمد معروف المشتهر ببابا خواجه ابراهیم ابن محمد معروف ابن الشیخ السید ترسون الباقی الحسینی البلیخی القندوزی غفرالله لی و لهم و لابیائهم و امهاتهم و لمن ولدوا بلطفه و منه الف هذا الكتاب اخذا من هولاء الكتب لمذكورین و من كتب علماء الحروف ملجا الی الله و مستعیذا به من التعصب و الجهل المركب و کتم الحق و انکار الصدق و اظهار الباطل و قبول ما لا طائل تحته و سائلا متضرعا ملتجا الی الله الهادی ان یلهمنا الحق و الصدق و یهب لنا البصیره و الرشد و یهدینا صراط المستقیم بفضلہ العظیم و منه العمیم».

همان طور یادآور شده احادیث کتاب را از کتب علمای ذی فن آورده و از تعصب و جهل مرکب و کتمان حق و انکار راستی و آشکار کردن باطل و قبول چیزهای بی فایده به خدا پناه برده است، با زاری از خدای هدایت کننده خواسته که با فضل عظیم و نعمت همگانی اش حق و راستی را به او الهام کند و بصیرت و رشد به همه عنایت فرماید و به «صراط مستقیم» راهنمایی کند و می گوید: «اللهم ارنا الحق حقاً و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا و ارزقنا اجتنابه یا مجیب یا قریب آمین یا رب العالمین بعزتک و جمیل صفاتک و باسمک الاعظم و رسولک الاکرم سیدنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

سپس درباره وجه تسمیه کتاب و انگیزه تألیف آن چنین گوید:

«و سماه ینابیع المودة لذی القربی و هم اهل العیاء و وسائل

مناقبهم و هی موقوفه علی مطالعه کتب التفاسیر و الاحادیث الی هی المعتمد بین اهل السنة و الجماعة».

و بعد منابع مورد اعتماد اهل سنت را به شرح زیر آورده است: - «الصالح السنه من البخاری و مسلم و النسائی و الترمذی و ابی داود باتفاق المحدثین المتأخرین و اما السادس من الصحاح فابن ماجه او الدارمی او الموطا» و بعد به کتاب‌های مستقلی که درباره اهل بیت علیهم السلام نوشته اند پرداخته است و می گوید که بسیاری از محدثان مناقب اهل بیت را گرد آورده اند و کتاب‌های مستقلی نگاشته اند و به شرح زیر نامگذاری کرده اند:

احمد بن حنبل و نسایی، مناقب؛ ابونعیم الحافظ الاصفهانی، نزول القرآن فی مناقب اهل بیت؛ شیخ محمد ابراهیم جوینی حموبین شافعی خراسانی، فرائد السمطین فی فضایل المرتضی و الزهرا و السبطین؛ علی بن عمر دارقطنی، مسند فاطمه؛ ابوالمؤید موفق بن احمد صفی خطیب‌ترین خطبا خوارزم، فضائل اهل البیت؛ علی بن محمد خطیب شافعی معروف به ابن مغازلی، مناقب؛ و علی بن احمد مالکی: فصول المهمه.

می گوید افراد نامبرده فوق احادیث خود را از طریق سیاحت و سفر و با جد و جهد و درنوردیدن آبادی‌ها و شهرها از مشایخ خود گرفته اند و در کتاب‌های خود نوشته اند و حدیث را از کتاب‌هایشان به صحابی روایت کننده که شنونده حدیث بوده اسناد کرده اند چنان که ملاحظه می کنید می گویند «حدثنا و اخبرنا فلان» همانند صاحبان کتب صحاح سته.

عده‌ای از آنان احادیثی درباره فضایل اهل بیت نوشته ولی اسم گردآورنده آنها مشخص نیست.

عده‌ای از آنان با استفاده از کتب مفسران و محدثان متقدم کتاب مستقلی فراهم کرده اند مانند علامه سمهودی مصری که صاحب کتاب جواهر العقیدین و میر سیدعلی بن شهاب الدین همدانی که ذخائر العقبی و موده القربی را نگاشته است.

عده‌ای نیز فضایل اهل بیت را بدون تالیف کتاب مستقل در ضمن کتب خود آورده اند مانند: شیخ فاضل ابن حجر هیثمی شافعی - که ثقه و مورد اعتماد شافعی هاست و الصواعق المحرقة را نگاشته است. و شیخ حافظ ابن حجر عسقلانی شافعی (رحمه الله) که صاحب الاصابه است و شیخ عبدالرووف المناوی المصری که صاحب جمع الفوائد است و در آن از دو کتاب بزرگ دیگر بهره گرفته شده که یکی از آنها جامع الاصول است و احادیث صحاح سته در آن توسط شیخ حافظ مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الاثیر الجززی الموصلی جمع آوری شده و دیگری کتاب مجمع الزوائد است که توسط حافظ نورالدین الی

الصلاة البتراء يا رسول الله (قال تقولون اللهم صلى على محمد و تسكتون بل قولوا اللهم صلى على محمد و آل محمد). ( ینابیع الموده، ص ۷ - ۶). «بر من درود ناقص نفرستید». گفتند ای رسول خدا درود ناقص چیست. رسول خدا گفت بگویند «اللهم صل على محمد» و ساکت شوید بلکه (باید) بگویند «اللهم صلى على محمد و آل محمد».

به نقل از عیون الاخبار از ریان بن صلت چنین می نویسد:  
«و فی عیون الاخبار عن الریان بن الصلت قال ان الامام علی بن موسی کاظم فی مجلس المأمون و قد سئله عن تفسیر قوله تعالی سلام علی آل یاسین قال حدثنی ابی عن آبائه عن امیرالمومنین علی علیهم السلام قال یاسین محمداً صلی الله علیه و آله و سلم و نحن آل یاسین فقالت العلماء الذین حوله یاسین محمد صلی الله علیه و آله فضلاً عظیماً و ذلك انه لم یسلم علی آل أحد من الانبیاء الا آل محمد صلی الله علیه و آله فقال سلام علی آل یاسین ان الله تبارک و تعالی قال فی قصة الیاس النبی علیه السلام سلام علی ال یاسین لوکان مراده تعالی هذا النبی لقال سلام و علی الیاس و ان قیل انه تعالی سلم علی جمع الیاس فقلنا ان الیاس واحد لا متعدد و انه لوکان الیاس ثلثه او اکثر لقال سلام علی الال یاسین بالمعرف باللام لان قاعده الجمع بالتعریف باللام» (ینابیع الموده، ص ۷). یعنی «امام علی بن موسی در مجلس مأمون بود. مأمون از امام درباره تفسیر این سخن حق تعالی سلام علی آل یاسین پرسید امام علیه السلام گفت پدرم از پدرانش از امیرالمومنین علی علیه السلام چنین نقل حدیث کرد که امام گفت یاسین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و ما آل یاسین هستیم علمایی که اطرافش بودند هیچ یک در این که یاسین محمد صلی الله علیه و سلم است، تردید نکردند. امام گفت: خدا به محمد صلی الله علیه و آله فضل عظیمی عطا کرده است و از این رو بر خانواده هیچیک از انبیاء مگر آل محمد صلی الله درود نفرستاده پس خدای متعال فرمود: سلام علی ال یاسین خدا در داستان الیاس نبی علیه السلام «سلام علی ال یاسین» فرموده است اگر مراد خدای متعال الیاس می بود می فرمود، سلام علی الیاس و اگر گفته شود که خدای تعالی بر جمع الیاس [ها] سلام گفته است می گوئیم که الیاس واحد است و معتقد نیست با اینکه اگر الیاس سه نفر یا بیشتر بودند خدای متعال می فرمود «سلام علی الال یاسین - بالام معرف زیرا قاعده جمع افزودن لام تعریف به آن است».

در مقدمه کتاب احادیث بسیار دیگر درباره تصلیت و تسلیمه (درود و سلام فرستادن) آورده است که جهت رعایت اجمال از آن

السعاده العظمی و معادن البرکات الكبرى طلبالرضاء الله و شفاعة رسوله صلی الله علیه و سلم و شفاعة اهل بيته و لیكون معهم فی جنات عدن یحدث (المرء مع من احب)».

«و آن را به سبب ارتباط با خویشاوندان پیامبر اکرم ینابیع الموده نامیده همان کسانی که اهل عبا (کساء) و اسباب سعادت عظمی و سرچشمه های برکات کبری هستند تا رضای خدا و شفاعت رسول او صلی الله علیه و آله و اهل بیت او پی جوید تا در بهشت عدن بنا به حدیث (انسان با کسی است که او را دوست می دارد) بعد می گویند:

«و رتبته علی مقدمه و ابواب»، این کتاب را به صورت مقدمه و بابهایی مرتب کردم کتاب دارای یکصد باب و یک مقدمه است.

#### مطالبی از مقدمه کتاب

در مقدمه به تصلیت (درود فرستادن و نماز خواندن) و تسلیمه (سلام گفتن) خدا و پیامبر و فرشتگان بر صدقه دهندگان و نمازگزاران مادامی که در نماز و... هستند، پرداخته است و از اول کتاب الفتوحات المکیه که شیخ اکبر آن را به دست خود نوشته هرگاه امام علی را یاد کرده صلی الله علیه به کار برده و گفته است: «از این آیات و احادیث دانسته می شود که تصلیه و تسلیمه (درود و سلام خدا) مختص انبیاء و فرشتگان نیست و به خاطر مشروعیت «تصلیه و تسلیمه» در نماز، بنا به امر رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود بگویند «اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» و نیز به خاطر مشروعیت سلام علیکم و رحمة الله به هنگام فراغت از نماز و نیز به هنگام ملاقات و سلام رساندن مسلمانی به مسلمان دیگر از طریق پیام رسان یا ارسال نامه. این که گویند صلوات مختص انبیاء و فرشتگان است از روی تعصب و بعد از جدایی و تفرقه بین امت اسلام بوده است خدا ما را از تعصب مصون نگه دارد.

از جعفر الصادق روایت شده که در تفسیر «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» (۵۶ احزاب ۲۳) الصلوة من الله عزوجل رحمه للنبی صلی الله علیه و سلم و من الملائکة تزکیه و مدحهم به و من المومنین دعاء منهم. له از [امام] جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» روایت شده که تصلیت از جانب خدای عزوجل رحمت برای پیامبر صلی الله علیه و سلم و درود از جانب فرشتگان پاک شمردن و نکوداشتن پیامبر و مدح آنان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه است و از طرف مومنان دعای آنان برای اوست و در جواهر العقدين و نیز الصواعق المحرقة از پیامبر نقل شده «لا یصلوا علی الصلوة البتراء قالوا و ما



در می‌گذریم.

○ باب اول: در این باب احادیث بسیاری در پیشی داشتن نور رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورده است و در آن آمده اول ما خلق الله نوری... و اول ما خلق الله نور نبیک یا جابر المراد منها هو الحقیقه المحمديه التي كانت مشهوره بین الکملین و هی روح نبینا صلی الله علیه و آله (ص ۹ - ۱۰)

○ باب دوم: درباره شرافت آباء پیامبر احادیثی آورده است.

○ باب سوم: درباره دوام عالم به دوام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و علیهم احادیثی آورده است و نیز آن که آنان سبب نزول باران اند (ص ۱۹) و بیان فضائل آنان.

○ باب چهارم: احادیث سفینه نوح و باب حطه بنی اسرائیل.  
○ باب پنجم: احادیثی درباره این که خدای متعال اهل بیت علیهم السلام را از هر آلودگی که بین مردم متداول است پاک کرده است.

○ باب ششم: در این که حب علی ایمان است و نیز درباره فتح خیبر و منزلت احادیثی آورده است.

○ باب هفتم: درباره این که علی کرم الله وجهه همانند نفس رسول خداست و (علی منی و انا من علی) احادیثی آورده است.

○ باب هشتم: درباره مرغ بریان که زنی از انصار برای رسول اکرم آورده بود و پیغمبر (ص) دعا کرد خدایا محبوب ترین آفریده ات نزد خدا و رسول را نزد من آور (که با من این مرغ بریان را تناول کند) خدای متعال با آمدن علی دعایش را اجابت فرمود.

○ باب نهم: درباره عقد برادری؛ این که یگانه فردی که لایق برادری پیامبر (ص) است علی است.

○ باب دهم: اخباری درباره حدیث بنحوی آورده است.

○ باب یازدهم: درباره خاصف الثعل کش که کفش تعمیر می‌کند احادیثی آورده است.

○ باب دوازدهم: احادیثی درباره پیشی گرفتن امام علی کرم الله وجهه در اسلام است.

○ باب سیزدهم: درباره رسوخ ایمان در علی علیه السلام و توکل بسیار اوست.

○ باب چهاردهم: در علم فراوان علی علیه السلام است.

○ باب پانزدهم: درباره عهد نبی صلی الله علیه و آله به علی است و اینکه او را وصی خود قرار داده است.

○ باب شانزدهم: در بیان این است که علی قسیم الجنه و النار است.

○ باب هفدهم: درباره بستن درهایی است که به داخل مسجد

باز می‌شد به جز در علی.

○ باب هجدهم: درباره رساندن برخی از آیات سوره براءة توسط امام علی (ع) به اهل مکه است.

○ باب نوزدهم: در این که علی ویژه نبی صلی الله علیه و آله و سلم و سید عرب است و درباره نگاه به او عبادت است.

○ باب بیستم: درباره این که علی (ع) با قرآن است و برخی فضائل او.

○ باب بیست و یکم: در تفسیر این قول حق تعالی: «والذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار».

○ باب بیست و دوم: در تفسیر این سخن حق تعالی «اجعلهم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام» و تفسیر «فان تظاهروا...» و تفسیر «یوفون بالنذر...»

○ باب بیست و سوم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «و کفی الله المومنین القتال» و تفسیر «هو الذی ایدک بنصره» و تفسیر «فمن وعدناه» و تفسیر «رجال صدقوا»

○ باب بیست و چهارم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «الذین ءامنوا... طوبی لهم» و تفسیر «و تلقی آدم من ربه» و تفسیر «اذا ابتلی ابراهیم ربه» و تفسیر «فاتمهن».

○ باب بیست و پنجم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «من جاء بالحسنه فله خیر منها».

و تفسیر «یا ایها الذین ءامنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین».

و تفسیر «وات ذی القربی حقه».

و تفسیر «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک».

و تفسیر «وتعیها اذن واعیه».

و تفسیر «ام یحسدون الناس علی ما اتاهم الله من فضله».

○ باب چهارم: در اینکه علی شبیه انبیاء علیهم السلام است و فضائل او بسیار است و قابل شمارش نیست.

○ باب چهل و یکم: درباره حدیث (حق علی بر مسلمانان، حق پدر بر فرزندش می باشد).

○ باب چهل و دوم: درباره صدیقین ثلاثه و این که علی امام هفتاد هزار نفری است که بدون حساب وارد بهشت می شوند و در بیان حدیث (ای علی هر که تو را دوست بدارد خداوند با امن و ایمان زندگی او را به پایان خواهد رساند) و در بیان این که (حب علی حسنه و بغض او سیئه است) و خدا به دوستی و رزیدن نسبت به او امر فرموده و عنوان صحیفه مومن حب علی است و اگر مردم بر دوستی علی اتفاق داشتند خدا آتش را خلق نمی کرد و مثل او چون «قل هو الله احد» است. و بیش از سیصد آیه در شأن او نازل شده و یک چهارم قرآن درباره اهل بیت است و بهشت مشتاق اوست.

○ باب چهل و سوم: درباره احادیث وارده در سعادت کسی است که علی را دوست دارد، و درباره کسی است که یخواهد به قضیب الاحمر چنگ زند و درباره حدیث (علی شما را از باب هدایت به هلاکت سوق نمی دهد) و درباره حدیث «فته باغیه» است.

○ باب چهل و چهارم: درباره حدیث (گوشت تو گوشت من، خون تو خون من است).

و درباره حدیث (مبادا طوایفی درباره تو بگویند [آنچه درباره عیسی گفتند]) و حدیث طوبی و حدیث صاحب حوض کوثر بودن علی و حدیث (خوشا به حال کسی که ترا دوست بدارد) و حدیث (اولین کسانی که علی را دوست داشتند حاملان عرش بودند) و حدیث (علی پرچم هدایت است).

○ باب چهل و پنجم: احادیث وارده درباره مرغ و آزمایش علی کرم الله وجهه.

○ باب چهل و ششم: در حدیث نخل صیحجانی و سفر جله (گلابی) و رقه آس و اترجه (ترنج) و لوزه (بادام).

○ باب چهل و هفتم: در برگرداندن خورشید بعد از غروب آن.

○ باب چهل و هشتم: درباره بالا بردن امام علی به بام کعبه مکرمه توسط پیغمبر(ص).

○ باب بیست و ششم: در تفسیر این سخن حق تعالی «فاما نذهبن یک فانا منهم منتقمون» و تفسیر «افمن کان علی بیته» و تفسیر «انما انت منذر و لكل قوم هاد».

○ باب بیستم و هفتم: در تفسیر این سخن حق تعالی «اذانا جیتم الرسول فقد سوا بین یدی بنحویکم صدقه».

○ باب بیست و هشتم: در تفسیر این سخن حق تعالی «فلما راه زلفه سیئت وجهه...» و تفسیر «فان مؤذن» و تفسیر «و اذان من الله...».

○ باب بیست و نهم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «وعلی الاعراف رجال یعرفون کلایسیماهم...».

○ باب سی ام: در تفسیر این سخن حق تعالی: «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب».

○ باب سی و یکم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «و انذر عشیرتک الاقربین».

○ باب سی و دوم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «قل لاسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی».

○ باب سی و سوم: در تفسیر «انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و حدیث کساء».

○ باب سی چهارم: در تفسیر این سخن حق تعالی «و الذین امنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمان الحقانهم ذریاتهم».

○ باب سی و پنجم: در تفسیر این سخن حق تعالی «و من خلقنا الله یمهدون بالحق و به یعدلون لغفار لمن تاب و ءامن».

○ باب سی و ششم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «و انئی لغفار لمن تاب و ءامن».

○ باب سی و هفتم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن» و تفسیر «و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه...» و تفسیر «یا ایها الذین ءامنوا ادخلوا فی السلم» و تفسیر «لتسئلن یومئذ...» و تفسیر «وقفوههم انهم مسئولون» و تفسیر «و ان الذین لایؤمنون بالاخره عن الصراط لناکبون».

○ باب سی و هشتم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «یا ایها الذین ءامنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول».

○ باب سی و نهم: در تفسیر این سخن حق تعالی: «وجعلها کلمه یاقیه فی عقبه...» و تفسیر «یریدون لیطفئوا نورالله...» و تفسیر «و نزعنا فی صدورهم من غل اخوانا...» و تفسیر «مرج البحرین...» و تفسیر «و من یقترف حسنه...».

و تفسیر «و هو الذی خلق من الماء...».

و تفسیر «و اعتصموا بحبل الله...».

و تفسیر «فاسئلوا اهل الذکر...».

و اصحاب او به طور مفصل در کتاب موسوم به مقتل ابی مخنف ذکر شده است.

○ باب شصت و دوم: آوردن مذابح امام شافعی و تفسیر آیات و آوردن احادیثی که بر ثواب بسیار کسانی که بر حسین و اهل بیت او می‌گیرند ذکر شده است.

○ باب شصت و سوم: آوردن آن چه در کتاب الصواعق در فضائل ائمه هدی از اهل بیت طاهرین آمده است.

○ باب شصت و چهارم: ذکر رویایی شاعر ابن عیین درباره فاطمه زهرا و کرامات او و ذکر ابیات امام زین العابدین و امام محمدباقر

○ باب شصت و پنجم: آوردن آنچه در کتاب فضل الخطاب من الفضائل سید کامل و محدث و عالم عامل اسبق خلفای نقشبند پارسای خواجه محمد بخاری شاه نقشبند، خدا تربیت آنان را پاک کند و درجات آن دو را بالا برد و ما را از فیوضات و برکات آنان برخوردار کند.

○ باب شصت و ششم: آوردن آن چه که در کتاب جواهر العقیدین از داستان‌های شگفت اهل بیت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و برکات آنان ذکر شده است.

○ باب شصت و هفتم: آوردن برخی از آنچه که در کتاب دره المعارف تالیف شیخ الامام عبدالرحمن بن محمد بن علی بن احمد بسطامی ذکر شده است. بسطامی اعلم علمای زمان خود در علم حروف و اسرار آن بود؛ خدای تربتش را پاک کند و علم و عرفانش را به ما عطا کند.

○ باب شصت و هشتم: آوردن برخی از آنچه در کتاب الدر المنظم تالیف شیخ امام کمال الدین ابوسالم محمد بن طلحه حلبی شافعی ذکر شده است؛ خدا تربتش را پاک و ما را از علم و فیض بهره‌مند سازد.

○ باب شصت و نهم: آوردن برخی از آنچه در کتاب الدر المکنون و الجوهر المصون تالیف شیخ محی الدین عربی طائی حاتمی اندلسی؛ خدا تربتش را پاک و روحش را منور گرداند و ما را از فیوضات و فتوحاتش بهره‌مند سازد؛ برای حل صحیفه‌های جعفریه بر اساس قواعد جعفریه ذکر شده است.

○ باب هفتادم: آوردن آنچه که مؤلف کتاب المطالب العالیه در تعریف شیعیان و پیروان اهل بیت استخراج کرده است و نیز آوردن کلام پیشینیان بر برتری دادن برخی از خلفاء بر برخی دیگر.

○ باب هفتاد و یکم: آوردن آنچه که در کتاب المحججه درباره قائم حجت نازل شده است.

○ باب هفتاد و دوم: درباره احادیثی که صاحب مشکاه

○ باب چهل و نهم: حدیث تکلم خورشید با علی و حدیث بساط و سطل و آب و دستمال .

○ باب پنجاهم: در بیان حدیث (پدر تو ابراهیم چه پدر خوبی و برادر تو علی چه برادر خوبی).

○ باب پنجاه و یکم: در بیان علو همت و زهد علی نسبت به دنیا.

○ باب پنجاه و دوم: درباره رساله جاحظ - عثمان بن عمرو بن بحر.

○ باب پنجاه و سوم: ذکر داستان لیله الہریر در صفین و ذکر خطبه امیرالمؤمنین علی موقعی که خواست دوباره به صفین برگردد و ذکر وصیت او بعد از زخمی شدن او، وفات او.

○ باب پنجاه و چهارم: در فضائل حسن و حسین.

○ باب پنجاه و پنجم: در فضائل خدیجه کبری و فاطمه زهراء و بیان ازدواج فاطمه با علی.

○ باب پنجاه و ششم: در بیان زمان ولادت علی و صورت زایچه ولادت او و آنچه در کتاب‌های کنوز الدقائق و جامع الصغیر و ذخائر العقبی و المناقب السبعین و موده القرئی و احادیث وارده در کتاب الاربعین حدیث امام علی بن موسی الرضا آمده و بیان آنچه در مشارق الاذواق در مناقب آن حضرت ذکر شده است و ذکر کلماتش که دلالت بر این دلالت دارد که مومنان ناگزیرند که دوستی خود را با او خالص کنند بدون این که دوستی دشمنانش را در قلوب خود وارد کنند. و ذکر این که دوستداران علی به ثواب جهاد نائل می‌شوند گرچه بعداً به دنیا بیایند.

○ باب پنجاه و هفتم: درباره احادیثی است که بر این امر دلالت دارد که عصبه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ذریه فاطمه سلام الله علیها و برکاته هستند و در حدیث آمده است که نسبت و سبب او قطع نمی‌شوند و اینکه پیوند خویشاوندی او در دنیا و آخرت وجود دارد.

○ باب پنجاه و هشتم: درباره احادیثی است که بر این موضوع دلالت دارد که خدا اهل بیتش را عذاب نمی‌کند و آنان را به آتش نمی‌افکند و درباره وجوب دوستی اهل بیت علیهم السلام بر اساس آنچه که در قرآن کریم آمده و مطالبی که «جواهر العقیدین» ذکر شده است.

○ باب پنجاه و نهم: درباره اهل البیت که در «الصواعق المحرقة» ذکر شده است.

○ باب شصتم: در بیان احادیثی که درباره شهادت حسین صلوات و رحمت و برکات و سلام خدا بر او و کسانی که با او بودند.

○ باب شصت و یکم: آوردن آنچه که درباره شهادت حسین



جیحون و فرات و نیل از رودهای بهشت (مورد بهره برداری همه قرار می‌گیرد) و طبایع مردم با یکدیگر حسد بورزند و یا اینکه با یکدیگر مخالفت کنند.

○ باب هشتاد و نهم: درباره سخنان ائمه اهل البیت در وصف امام (مهدی).

○ باب نودم: آوردن خطبه حسن بن علی.

○ باب نود و یکم: درباره تفسیر این سخن حق تعالی «یوم ندعو کل اناس بامامهم» «یاد کن» روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. (۱۷۱: الاسراء) و برخی از سخنان علی.

○ باب نود و دوم: آوردن پاسخ مامون خلیفه عباسی به خویشاوندانش - در آن هنگام که می‌خواست با امام علی‌الرضا بیعت کند.

○ باب نود و سوم: در ذکر سیرت پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او سلام الله علیهم.

○ باب نود و چهارم: آوردن آنچه که در کتاب غایة المرام در باره مهدی موعود آمده است.

○ باب نود و پنجم: در تفسیر این سخن حق تعالی «ان نقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله و ان كنت من الخاسرین» (۵۶ الزمر: ۳۹). تا این که (مبادا) کسی بگوید: «دریغاً بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم، بی تردید من از ریشخند کنندگان بودم» و در تفسیر «عم یتساءلون» (النبا: ۷۸). «درباره چه چیزی از یکدیگر می‌پرسند». و در کلام خضر علیه السلام

○ باب نود و ششم: درباره بشارت عیسی بن مریم - بر هردو سلام - به نبوت محمد صلی الله و علیه و آله و سلم و به (وصایت) وصیتش علی و یادش از مهدی - سلام بر هردوی آنان - و خطبه او.

○ باب نود و هفتم: آوردن کلام امیرالمومنین درباره تشخیص احادیث صحیح.

○ باب نود و هشتم: آوردن برخی از دعاها و مناجات‌هایی که در صحیفه کامله امام همام زین العابدین سلام الله علیه آمده است و آن زبور اهل البیت الطیبین سلام الله علیهم است.

○ باب نود و نهم: آوردن سخنان حکیمانه و گفته‌های معنوی و گوهرهای قدسی و معارف ربانی - اعم از مواعظ و وصایای - امیرالمومنین و امام المتقین مولی و سرور ما و مولای ثقلین شیر بنی غالب علی بن ابی‌طالب - سلام و تحیات و برکات همیشگی و جاودانه خدا بر او و بر فرزندانیش که پیشوایان راهنما از اهل البیت پاک اویند - باب ۹۹ درباره سخنان حکیمانه و گفتار معنوی و گوهرهای قدسی و معارف ربانی اعم از مواعظ و نصایح و وصایای امیرالمومنین است. همچنین چندین خطبه در زمینه‌های مختلف از نهج البلاغه می‌آورد و وصیتنامه ژرف و بس حکمت‌آموز امام

المصایب در حق حضرت مهدی ذکر کرده است.

○ باب هفتاد و سوم: درباره احادیثی که صاحب جواهر العقیدین در حق حضرت مهدی ذکر کرده است.

○ باب هفتاد و چهارم: درباره سخنان علی(ع) است که در شأن مهدی در کتاب نهج البلاغه و در دیوان منسوب به او آمده است.

○ باب هفتاد و پنجم: در ذکر شدائدی است که به اهل بیت می‌رسد تا قائم آنان ظهور کند.

○ باب هفتاد و ششم: سخن نبی صلی الله علیه و سلم درباره نام‌های ائمه اثنا عشر است.

○ باب هفتاد و هفتم: تحقیق در این که بعد از او دوازده خلیفه خواهد بود.

○ باب هفتاد و هشتم: آوردن آنچه درباره کتاب فرائد السمطين و غیر آن در تبیین (ظهور) مهدی و قیام آمده است.

○ باب هفتاد و نهم درباره زمان ولادت قائم و زایچه ولادت او و زایچه ولادت عیسی - درود خدا بر هر دو - است.

○ باب هشتادم: درباره سخن امام علی‌الرضا و امام جعفرالصادق راجع به شأن مهدی و قیام اوست.

○ باب هشتاد و یکم: درباره خوارق (اعمال) مهدی و کرامات اوست که برای مردم ظاهر و آشکار شده است.

○ باب هشتاد و دوم: درباره این است که الامام ابا محمد الحسن العسکری فرزندش قائم مهدی را به دوستان خاص خود نشان داده و به آنان اعلام کرده که او امام بعد از وی است.

○ باب هشتاد و سوم: درباره کسی که صاحب الزمان مهدی را بعد از غیبت کبری دیده است.

○ باب هشتاد و چهارم: آوردن اقوال اهل الله، اصحاب شهود و کشف و علمای حروف درباره مهدی موعود

○ باب هشتاد و پنجم: آوردن برخی از آنچه در کتاب اسعاف الراغبین شیخ محمد صبان مصری استاد علما، علامه زمان و یگانه دوران خود رحمة الله آمده است.

○ باب هشتاد و ششم: آوردن اقوال علمای حروف و محدثان درباره این که مهدی موعود فرزند امام یازدهم حسن عسکری است.

○ باب هشتاد و هفتم: آوردن اشعار اهل الله - که اهل کمال هستند: در مدایح ائمه الاثنا عشر الیهادین و کلام شیخ سعدالدین حموی و شیخ ابن معتوق مصری و شیخ نیاز احمد هندی قدس الله اسرارهم؛ خدا تربت آنان را پاک گرداند و علوم و فتوحات آنان را به ما عطا کند.

○ باب هشتاد و هشتم: درباره احادیث وارده در طلوع شمس از غرب و این که سرزمین عرب آباد و پر آب می‌شود و سیحون و

علی به امام حسین علیه السلام زینت بخش نود و نهمین باب کتاب است. (ص ۵۱۱-۵۵۲)

○ باب مکمل صدم: درباره فضائل ائمه اهل البیت الطیبین در سخنان امیرالمومنین و امام المتقین - سلام و تحیات و برکات دائمی و جاودانه خدا بر او بر آنان باد.

### پایان فهرست کتاب ینابیع

آنچه در این باب (باب صدم) مایه شگفتی و در خور تعمق است این است که حافظ سلیمان حافظ قندوزی با آنکه فرموده در این کتاب فقط از کتب اهل جماعت و سنت آورده است ولی از شخصیت‌های نامدار شیعه چون شیخ بهائی (ره) که زبانزد عام و خاص است، نیز استفاده کرده است. این نحوه برخورد نشان می‌دهد شعاع وجودی برخی از شخصیت‌های هر مذهبی به حدی گسترده و محیط است که پایبند مذهب دیگر را همسو قرار می‌دهد.

### تقسیم ابواب ینابیع الموده در یک نگاه اجمالی

○ باب‌هایی که بیشتر احادیث تفسیری آن در شأن امام علی(ع) و اهل البیت علیهم السلام است

۴، ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۹۱، ۹۵.

○ باب‌هایی که بیشتر احادیث آن خاص امام علی(ع) است. مقدمه،

۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۳، ۲۰، ۱۹، ۵۸، ۵۶، ۵۵، ۵۳، ۵۲، ۴۹، ۴۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۹۷.

باب‌هایی که خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است:

۷۸، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۳، ۹۶، ۹۴، ۸۸، ۸۶، ۸۳، ۸۱، ۸۰، باب‌هایی که خاص اهل بیت علیهم السلام است:

۵۴، ۵۳، ۵۰، ۴۸، ۴۲، ۱۷، ۶۳، ۵۹، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۴، ۸۹، ۸۷، ۸۴، ۷۷، ۷۶، ۷۰، ۹۰، ۹۵، ۹۸، ۹۹.

باب‌هایی که خاص کسی است که احادیث از آن نقل شده است.

۸۴، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۵۸، ۵۶، ۹۸.

باب‌هایی که خاص حضرت امام حسین و شهادت اوست. ۶۲، ۶۱، ۶۰.

باب‌هایی که در مورد جانشینان پیغمبر(ص) دوازده نفر هستند:

۷۷، ۷۶، ۸۷.

باب‌هایی خاص خطبه‌ها و صایا و صحیفه سجادیه: ۵۳ وصیت

۹۰ خطبه امام حسن

۹۹-۱۰۰ خطبه‌های امیرالمؤمنین

۹۸ صحیفه سجادیه

چاپ‌های گذشته این کتاب:

این کتاب ارزشمند برای اولین بار در سال ۱۳۰۲ق. در ۵۲۷ صفحه در استانبول - هشت سال بعد از وفات مؤلفش - به چاپ رسید و ناشر آن مهدی ملک‌التجار بود (در ۵۲۷ صفحه).

کتاب برای بار دوم در استانبول چاپ شد و بر آن تاریخ ۱۳۰۱ق. نگاشته شد مشهور این است که این چاپ از نظر زمان بعد از چاپ قبلی آن ۱۳۰۲ق. بوده است و برای منظور خاصی تاریخ چاپ آن جلو انداخته شده است.

کتاب در سال ۱۳۰۸ق. در مشهد - ایران - در دو جزء در ۴۵۵ صفحه به چاپ رسیده است و بر آن نوشته شده که به تصحیح محمد شفیع اعتمادالدوله چاپ آن سنگی شد و امتیازی بر چاپ‌های دیگر ندارد.

چاپ چهارم کتاب در سال ۱۳۱۱ق. در بمبئی - هند - به اهتمام شیخ علی محلاتی در ۴۴۸ صفحه به صورت چاپ سنگی معمولی بوده است. با آن که این چاپ کیفیت ندارد، از این جهت که شرح حال مصنف در پایان آن آمده امتیاز دارد.

این کتاب در سال ۱۳۱۲ق. در تهران - ایران - با مفاتیح المحجّه در ۶۱۴ صفحه برای باره پنجم به چاپ رسیده است. تا به حال نسخه‌ای از این چاپ به دست من نرسیده است، تا به چگونگی آن آگاهی یابم.

چاپ ششم این کتاب بدون تاریخ در سه جزء در بیروت منتشر شده است.

این کتاب در ۱۳۸۴ ق. / ۱۹۶۵م. در نجف اشرف - عراق - برای هفتمین بار به چاپ رسیده است و دفتر چاپخانه حیدریه استاد محمدکاظم الکتبی (خدا او را سالم بدارد) آن را منتشر کرده است.

چاپ هشتم همین کتابی است که در این مقاله معرفی شده است و به تصحیح و نشر آن از روی تصویر چاپ استانبول ۱۳۰۲ اقدام شده است. دارالکتب العراقیه حاج علی محمد اعتماد الکتبی کاظمی عراقی و مکتبه المحمدی حاج محمد عالم کتبی (کتابچی) قم - ایران - به چاپ آن اقدام کرده است.

### پانوشت‌ها:

۱ - از پیشگفتار محمد مهدی خراسانی، چاپ هشتم، کتاب ینابیع الموده ترجمه شده است.

۲ - همان طور که در شرح حال و در چاپ این کتاب در هند آمده است.

۳ - در دیباچه کتاب (ص ۵) مولف نام خود و پدرش را چنین نگاشته است.